

میزگرد ویژه مجله حقوق و اقتصاد

رانتیریسیم و دولت رانتی

آثار، پیامدها و راه حل‌ها

اشاره

“رانتیریسیم و دولت رانتی” موضوع میزگرد ویژه مجله حقوق و اقتصاد بود که با حضور دکتر غلام عباس توسلی، استاد علوم اجتماعی دانشگاه تهران - دکتر محمد شریف، عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی - دکتر احمد میدری، عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه چمران - دکتر محمود جامساز، اقتصاددان و دکتر مهدی شبروهی، حقوقدان که هر دو از اعضای هیأت تحریریه مجله حقوق و اقتصاد می باشند، برگزار شد. در این میزگرد که توسط محمدحسین دانایی، سردبیر مجله حقوق و اقتصاد اداره می شد، مفهوم رانتیریسیم و دولت رانتیر، تاریخچه، عوامل ایجادکننده، آثار و پیامدهای آن و راه حل های پیشنهادی مرتبط، با تأکید بر نقش و رسالت روشنفکران در مدیریت و مهارکردن این پدیده از دیدگاه علوم اقتصاد، حقوق و جامعه شناسی مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

تعریف دولت و حکومت

در ابتدای این میزگرد و پیش از ورود به موضوع مورد بحث، دکتر محمود جامساز هدف از انتشار مجله حقوق و اقتصاد را یافتن حلقه مفقوده ارتباط بین حقوق و اقتصاد و پیوند این دو در ایران

ذکر کرد و برگزاری این میزگرد را نیز گامی در راستای این هدف برشمرد. وی سپس ضمن اظهار یأس نسبت به توجه و مطالعه و به کار بستن راه حل ها و پیشنهادهای این میزگرد توسط مسوولان کشور، اظهار امیدواری کرد که نتایج این





● دکتر محمود جامساز: حق مالکیت نمی‌تواند متعلق به دولت باشد، یعنی ملت مالک اصیل است.

میزگرد مورد استفاده دانشجویان قرار گیرد.
دکتر جامساز در ادامه اظهاراتش صحبت در مورد دولت را تئیرا به ویژه پس از رویدادهای اخیر در کشور مناسب دانست و در باب تعریف دولت به طور کلی گفت: اصولاً فلاسفه و دانشمندان زیادی در مورد دولت و نقش آن و منشأ حکومت صحبت کرده‌اند. یکی از آنها جان لاک است که وظایفی را برای دولت تعیین کرده که مطابق آن، دولت باید از حقوق مردم صیانت کند و عدالت را برقرار سازد و در جهت حفظ مصالح عمومی حرکت و کار کند. با وجود آنکه جان لاک حق را تعریف کرده و به خصوص حق مالکیت را منبعث از وجود خداوند می‌داند، ولی معتقد است که انسان برای تأمین حقوق طبیعی و فطری خود که از جانب خدا در وی به ودیعه گذاشته شده نظیر حق حیات، حق ارتزاق، حق انتخاب و حق مالکیت، باید از نعمت آزادی، یعنی از حق آزادی هم برخوردار باشد تا بتواند با کار و تلاش و کوشش خویش، مواهب طبیعت را تغییر شکل دهد و از آنها برای بقا و بهبود زندگی خود استفاده کند.

چنین حکومتی چون منابش توسط مردم تأمین می‌شود، لذا در خدمت مردم خواهد بود. در مقابل این نظریه، کمونیست‌ها می‌گویند که دولت باید مالک همه چیز باشد، ولی در این میان، فلاسفه‌ای مانند جان لاک، بهترین تعبیر را در مورد دولت ارائه می‌دهند و معتقدند که دولت باید حافظ منافع عمومی و منافع خصوصی افراد باشد، ایجاد امنیت بکند، حدود و ثغور مرزها را حفظ کند و عدالت اجتماعی را برپا دارد.
وی در ادامه سخنانش از منظر اقتصاد سیاسی حکومت‌های مرکانتالیستی، آریستوکراسی، کلاسیک، کمونیستی، نوکلاسیک، سوسیالیستی، کینزی و دولت‌های رفاه و حکومت‌های با اقتصاد کاملاً آزاد (مکتب اتریش) را از جمله شکل‌های گوناگون حکومتی ذکر کرد که در میان دو طرف طیف حکومت‌های دیکتاتوری و حکومت‌های دموکراتیک قرار دارند و خاطرنشان ساخت که اغلب حکومت‌های کنونی به ویژه حکومت‌های غربی بیشتر رنگ دموکراتیک دارند تا دیکتاتوری.

حق و مالکیت

دکتر جامساز سپس گفت: در قانون اساسی

وی سپس افزود: چون اصولاً بشر بخشی از ذات خداوند است، بنابراین، اصل منابع، نعمت است و موجب حق در وجود بشر فطری است. چنانکه بدبختی و فلاکت نمی‌شود، بلکه نوع هرگله، در کتاب عناصر فلسفه بیان نگاه حاکمان به مصرف این منابع و داشته که حق همان اراده آزاد انسان است، یعنی حق به طور کلی آزادی که مشکلاتی را ایجاد می‌کند. است و به عبارتی، نطفه آزادی انسان است. حق، چیزی است مطلقاً مقدس که وجود مفهومی مطلق آزادی خود آگاهی است. این منطق هرگله است، اما باید توجه داشت که حق آزادی ما نامحدود نیست، بلکه مقید به عدم تخطی و تعدی به حقوق دیگران است، یعنی گستره آزادی‌ها تا جایی است که به حقوق دیگران تجاوز نشود. حال، سوال پیش می‌آید که چگونه باید به این حقوق دست یافت؟ چگونه می‌توانیم از حقوق خود دفاع کنیم و آزادی خود را مستقر سازیم؟ پاسخ این سوال آنست که ما نیاز به یک تشکیلات اجتماعی داریم که بتواند از حقوق ما و حق آزادی ما دفاع کند و ما در سایه حاکمیت قانون و مقررات، زندگی خوبی داشته باشیم.
این اقتصاددان در بخش دیگری از سخنانش در مورد نظریات گوناگون در باب ویژگی‌های حکومت مدافع حقوق افراد جامعه گفت: به نظر افلاطون، حکومت نباید مالک هیچ چیز باشد، بلکه باید منابع مورد نیازش را از طریق مردم تأمین کند و



● دکتر مهدی شیروهی: طبیعی‌ترین اثر دولت رانتیبر، ضربه‌زدن به هنجارهای حقوق مالکیت است.

کشور ما، حق، متوجه پروردگار است. در متون دینی ما نیز حق مالکیت متعلق به پیامبر و اولاد پیامبر و معصومین دانسته شده، اما در قانون اساسی ما - اصل ۴۵ - در بحث انفال، حق مالکیت به حکومت داده شده است، در حالی که حق مالکیت نمی‌تواند متعلق به دولت باشد، زیرا دولت نه پیغمبر است نه معصوم. پس حق مالکیت متعلق به ملت است، یعنی ملت مالک اصیل است. بنابراین، اگر از منظر اقتصاد سیاسی که عواقب سیاسی یک تصمیم اقتصادی و همینطور کارکرد و پیامدهای اقتصادی یک تصمیم سیاسی را بررسی می‌کند، به حکومت کشورمان نگاه کنیم، درمی‌یابیم که حق مالکیتی که در انفال به دولت داده شده، دولت را صاحب تمام ثروت‌های این مملکت - از معادن، رودخانه‌ها، جنگل‌ها تا نفت و گاز و غیره - کرده است و این یک منبع مهم درآمدی برای دولت است که در واقع، منشأ رانت است، ولی دولت‌هایی که متکی به ملت‌ها هستند و توسط آنها انتخاب می‌شوند، منابع مالی مورد نیاز برای انجام وظایفشان مانند حفاظت از

مرزها و ترویج بهداشت و آموزش و یکی از لوازم مهم در اختیار اهداف مادی و سیاسی در اختیار ایجاد امنیت و صیانت از حقوق و دولت رانتیبر که جامعه را فلج دریافت کنندگان آن قرار می‌دهد و یا آزادی‌های آحاد مردم و... را از طریق می‌کند، رانت قضایی است. توزیع منابع ثروت ملی به صورت کوپن مالیاتی که از مردم می‌گیرند، تأمین می‌کنند. لذا دولت‌هایی که هزینه‌هایشان را از منابعی غیر از درآمدهای مالیاتی تأمین می‌کنند و منابعی را در اختیار می‌گیرند که هیچکس در به وجود آوردن آنها نقش نداشته و نمی‌تواند ادعای مالکیت آنها را بکند، طبیعتاً از وجه پاسخگویی به آحاد مردم بی بهره‌اند. چنین حکومت‌هایی با برخورداری از وجوه آسان‌رس نفتی، گازی یا سایر منابع طبیعی مانند الماس و غیره، یکه‌تاز عرصه حاکمیت بلامنزاع شده و از طریق توزیع منابع در اختیار، به خلق رانت‌های سیاسی و اقتصادی می‌پردازند تا از بروز خشونت علیه خود از سوی هسته‌های قدرت در داخل و خارج حکومت پیشگیری کنند. پس دولت رانتیبر، دولتی است که با دسترسی به منابع سهل الوصول که ملت در شکل‌گیری آنها نقش نداشته است، به جای تخصیص بهینه منابع بر پایه نیازهای واقعی اقتصادی و اجتماعی، ترجیحات دولت و حکومت را بر مصالح ملی ترجیح دهد و با اعطای امتیازات مادی عمدتاً از طریق اعطای تسهیلات و اعتبارات ارزان قیمت و یا امتیازاتی که

فرصت‌های فراقانونی، در جهت تأمین اهداف مادی و سیاسی در اختیار دریافت کنندگان آن قرار می‌دهد و یا توزیع منابع ثروت ملی به صورت کوپن و وجوه نقد در میان طبقات فرودستی که در بهره‌برداری سیاسی حاکمان مورد استناد قرار می‌گیرند، سعی در تداوم و استمرار حاکمیت خود دارد.

نگاه حقوقی

در ادامه این نشست، دکتر مهدی شیروهی، حقوقدان و عضو هیأت تحریریه مجله حقوق و اقتصاد، به طرح نظریات خود پیرامون تعریف دولت رانتیبر از منظر علم حقوق پرداخت و گفت: رانت پدیده‌ای در اجتماع است که هیچ کمکی به تولید اجتماعی نمی‌کند، و به درآمد حاصل از اشتغال و مالکیت که موجب حق نهادی مانند حق مالکیت است، گفته می‌شود. در لغت هم رانت به‌عنوان اجازه‌دادن و کرایه‌دادن تعریف شده است. دکتر شیروهی سپس در مورد سابقه تاریخی پیدایش رانت گفت: رانت قبل از آنکه به اعتبار کلام و لفظ در حوزه فلسفه و جامعه‌شناسی وارد شود، در کل نظام تاریخی جهان، از جمله در نظام برده‌داری و نظام فئودالیت‌ه وجود داشته است و حکومت‌های سیاسی استفاده زیادی از آن می‌کردند، اما اعتبار



● هگل: حق، نطفه آزادی انسان است.

خصوصی کشور در عرصه فعالیت‌های اقتصادی، یکی از مخلوقات تام و تمام عدم‌صیانت از حقوق مالکیت در ایران شده است. لذا اگر حقوق مالکیت در این کشور به مثابه کشورهای دیگر بازتعریف می‌شد، شاید امروز، نفت به عنوان یک منبع رانت برای اداره جامعه ما آنقدر آزاردهنده نبود و ما شاهد اینهمه فساد و تبعیض نبودیم.

سیمای سیاسی دولت رانتیر

دکتر شبروهی در ادامه افزود: بنده معتقدم که سیمای سیاسی یک دولت رانتیر، نه از منظر یک تعریف فلسفی، بلکه از منظر رمزگشایی از نشانه‌شناسی‌های عملکرد سیاسی کاملاً روشن و قابل‌ارایه است و باید بگوییم که هر دولتی که در ساختار خود بی‌توجه به تولید اجتماعی شده و از با عبور از حقوق مالکیت بخش خصوصی و اعمال قدرت نسبت به تمام منابع تولید حق، قصد ادامه حکومت و توزیع آن را در بین همکاران خود داشته باشد، نام و شکل این دولت، دولت رانتیر است و الگویی که به کار گرفته می‌شود، دقیقاً و قطعاً رانتیریسیم است. آثار و شواهدی هم که از عملکرد این دولت در جامعه بوجود می‌آید، در همه بخش‌ها به صورت بسیار روشن مثبت همین ادعاست. به همین علت، بنده معتقدم **چون دولت رانتیر جایگاهش را** شکل تأسیسی به خودش گرفته، **یک جایگاه ایدئولوژیک و** که از نظر معرفت‌شناسی اقتصادی، خیلی زود بی‌رمق و بی‌رنگ شده است **آسمانی فرض می‌کند، لذا بقای** رابطه علی بین دولت رانت و حوزه و چون حقوق مالکیت خصوصی در **خود را برای جامعه، یک امتیاز و** اقتصاد کمتر به چشم می‌خورد تا رابطه ایران هنوز به رسمیت شناخته نشده، **موهبت تلقی می‌کند!** علی بین اقتصاد و حقوق، زیرا رابطه رانت و حقوق می‌تواند شناسنامه

لفظی این کلمه تا ۲۰۰ سال قبل قابل توضیح نبود. وی سپس حقوق مالکیت را عامل اساسی رانت و دولت رانتیر ذکر کرد و افزود: از نظر فلسفی، نمی‌توان تعریف درست و دقیقی برای دولت رانتیر ارایه کرد، مگر آنکه به مکانیسم و فعال‌سازهای عملیاتی آن اشاره نماییم. یعنی باید به شواهد و نظریه عملکرد سیاسی یک دولت رسیدگی کنیم و با رمزگشایی از نشانه‌های سیاسی یک دولت، بگوییم که آن دولت رانتیر است و از الگوهای رانتیریسیم استفاده می‌کند.

الگوهای رانتیریسیم

این حقوق‌دان در بخش دیگری از سخنانش در توضیح الگوهای رانتیریسیم گفت: الگوی رانتیریسیم در جوامع سیاسی و حتی در کشور ما، از دو حوزه اساسی، یعنی حوزه سیاسی و حوزه اقتصادی سرچشمه می‌گیرد و عموماً این الگو در همه جای جهان برای دستیابی به قدرت و تحکیم قدرت، نیازمند ثروت‌هایی است که ضرورتاً از محل تولید اجتماعی بوجود نمی‌آیند و همین امر موجب بروز اختلاف اساسی در حقوق مالکیت می‌شود و بنیان‌های اساسی یک دولت رانتیر را بوجود می‌آورد و دولت ما هم به علت استفاده از منابعی که به هیچوجه محصول تولید اجتماعی نیست، خودش را دارای شناسنامه رانتی کرده است. وی افزود: وقتی که منابع نفت که در حال حاضر ارزنده‌ترین ثروت عمومی است، در اختیار دولت است و دولت با قدرت تمام برای حفظ و صیانت از این منبع، همه کارآزمایی‌های سیاسی را حول آن سازمان داده است، و تمامی رفتارهای سیاسی و اداری حکومت را حول تقویت این قدرت به‌کار گرفته، می‌توانیم دولت کشورمان را به تمام معنا یک دولت رانتیر بنامیم و طبیعی‌ترین آثار این دولت رانتیر هم ضربه‌زدن به هنجارهای حقوق مالکیت است. از این‌رو، می‌بینیم که چگونه در جامعه ما تمام هنجارهای حقوق مالکیت خصوصی زیر پا گذاشته شده و پیشنهاد داوری درستی برای صیانت از حقوق مالکیت در کشور ما وجود نداشته و اگر هم شکل تأسیسی به خودش گرفته، **چون دولت رانتیر جایگاهش را** یک جایگاه ایدئولوژیک و **یک جایگاه ایدئولوژیک و** که از نظر معرفت‌شناسی اقتصادی، خیلی زود بی‌رمق و بی‌رنگ شده است **آسمانی فرض می‌کند، لذا بقای** رابطه علی بین دولت رانت و حوزه و چون حقوق مالکیت خصوصی در **خود را برای جامعه، یک امتیاز و** اقتصاد کمتر به چشم می‌خورد تا رابطه ایران هنوز به رسمیت شناخته نشده، **موهبت تلقی می‌کند!** علی بین اقتصاد و حقوق، زیرا رابطه رانت و حقوق می‌تواند شناسنامه



● دکتر غلام عباس توسلی: دولت رانتیر، رانت را عمدتاً بین گروه‌های وابسته و در شبکه‌ای از مناسبات خویشاوندسالاری توزیع می‌کند.

اینجا، مسأله حفظ وضع موجود اهمیت زیادی دارد که باید به آن توجه کنیم. این استاد علوم اجتماعی در بخش بعدی سخنانش گفت: ما یک دولت رانتیر داریم، یک اقتصاد رانتیر داریم و یک جامعه رانتیر که در عین ارتباط با یکدیگر، هرکدام یک مقوله جداگانه و یک موضوع وسیع مستقل هستند. مسلماً باید یک دولت رانتیر وجود داشته باشد تا یک اقتصاد رانتیر بوجود آید، ولی این اقتصاد رانتیر، به تدریج یک حالت خودکفا پیدا می‌کند و در درون نظام اقتصادی و اجتماعی، ارتباطاتی را بوجود می‌آورد که مستقل از عمل دولت هم باقی می‌ماند و جامعه رانتیر هم جامعه خاصی است.

دکتر توسلی در ادامه اظهاراتش افزود: موضوع دولت رانتیر به طور خاص مربوط می‌شود به کشورهای دارنده نفت که درآمد کلان آنها از محل اضافه تولید نیست، بلکه از محل درآمد بادآورده‌ای است که از خارج به دامان دولت‌ها می‌ریزد و شکل و ساختار این دولت‌ها را می‌سازد. ساختار اجتماعی هم دنباله این ساختار سیاسی است که حلقه‌های دیگری

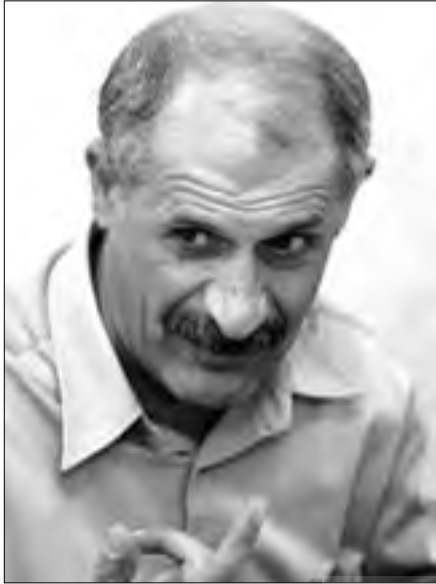
کاملی از یک دولت رانت را به تصویر بکشد. برخی از صاحب‌نظران هم دولت رانت را ناشی از یک رابطه علت و معلولی بین سیاست و اقتصاد می‌دانند، در حالی که بنده، سیاست و حقوق را به عنوان یک علت که متضمن پیوند نادرست برای تأسیس و خلق دولت رانت است، می‌دانم و به همین علت، حقوق مالکیت در هر جامعه‌ای می‌تواند هم تجهیز عوامل ممانعت‌آمیز از بوجود آمدن دولت رانتیر را به عهده داشته باشد و هم نوع حقوق مالکیت و نوع نگاه جامعه به آن، می‌تواند باعث تولید و خلق مکانیسم تولید دولت رانتیر باشد.

در این بخش از میزگرد، محمدحسین دانایی، سردبیر مجله حقوق و اقتصاد، با اشاره به آمیختگی تعریف و علل بوجود آمدن پدیده دولت رانتیر، از دکتر غلام عباس توسلی، استاد علوم اجتماعی دانشگاه تهران، درخواست کرد که نظریات خود را در این زمینه از منظر اجتماعی بیان کند.

مسأله بین‌رشته‌ای

سپس دکتر توسلی اظهار داشت: مسایلی مانند رانت و دولت رانتی در علوم انسانی اعم از حقوق، اقتصاد و جامعه‌شناسی به لحاظ عنوان موضوع و به لحاظ رشته‌هایی که به آن می‌پردازند، یک تعریف محدود و مشخصی ندارد، بلکه خیلی گشادار است و جهات مختلفی دارد و یک مسأله بین‌رشته‌ای است. به عبارت دیگر، معمولاً کلمه رانت، بیشتر یک مفهوم اقتصادی است که به دلایل حقوقی بوجود می‌آید و از منظر جامعه‌شناسی، واکنش‌ها و پیامدهای اجتماعی آن بررسی می‌شود و رشته‌های دیگر هم در متن و یا در حاشیه، در بررسی این موضوع سهم دارند.

وی سپس افزود: اصل موضوع رانت به معنای اجازه‌داری همیشه وجود داشته و سابقه تاریخی زیادی دارد، منتها دولت رانتیر که امروز بر روی آن بحث می‌شود، برمی‌گردد به مسأله درآمد‌های آزاد و بازی که به صورت یکطرفه از خارج به جامعه تزریق می‌شوند و به طور کامل در اختیار دولت قرار می‌گیرند و دولت هم در هزینه‌کردن آن به سبک خاصی عمل می‌کند که می‌تواند موجب حفظ و استمرار حکومت شود و یا به تدریج توزیع شود که دولت و حکومت هم به لحاظ اقتصادی، سیاسی و اجتماعی از آن بهره‌مند شود، به خصوص در



● دکتر محمد شریف: دولت رانتیر، معلول نوعی تعارض و نارسایی است.

از این ساختار را تکمیل می‌کند تا آن که جامعه بر بنیاد رانت روی پای خود بایستد. بنابراین، دولت رانتیر، دولتی است که بر اساس رانت استوار است و فعالیت می‌کند و رانت را عمدتاً در بین گروه‌های مختلف وابسته به خود بدون آن که آن را به معنای خاص خود به بخش خصوصی منتقل کند تا در آنجا یک نهاد خصوصی شکل بگیرد و به صورت خودکفا و بر اساس مالکیت خصوصی کار و حرکت کند - و در شبکه‌ای از مناسبات خویشاوندسالاری که در آن ارتباطات عقلایی و بوروکراتیک در معنای مدرن و امروزی آن موجود نیست، توزیع می‌کند. از اینرو، این رانت‌ها وارد تولید نمی‌شوند و کمتر جامعه‌رانتی وجود دارد که تولیدات داخلی قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. از سوی دیگر، چون درآمد حاصل از نفت از خارج می‌آید، برای اینکه خرج شود، صرف واردات می‌شود و به این ترتیب، جامعه مصرفی بر محور رانت شکل می‌گیرد و تولید داخلی در آن به شدت ضعیف و شکننده می‌شود و در اینجاست که یک اقتصاد رانتی خود را کاملاً نشان می‌دهد و در نتیجه،

جامعه بر اساس Patronage، یعنی

حامی‌پروری و حامی‌گرایی اداره می‌شود، یعنی مردم منتظر اقدام دولت به عنوان یک حامی هستند که زندگیشان را تأمین کند و کمبودها را برطرف سازد. به این ترتیب، زنجیره‌ای از روابط که منشأ آن رانت است، دولت رانتیر،

اقتصاد رانتی و جامعه رانتیر را بوجود می‌آورد و مستقر می‌کند و به سادگی هم نمی‌توان جامعه رانتیر را به جامعه تولیدی تبدیل کرد، زیرا دولت رانتیر از طریق حامی‌پروری، مشروعیت و موقعیت خود را تثبیت می‌کند و مانع شکل گرفتن بخش خصوصی توانا و تولید در جامعه می‌شود.

واژه نوین بر ای پدیده‌ای کهنه

دکتر محمد شریف، دیگر صاحب‌نظر حاضر در این میزگرد، در تعریف دولت رانتیر گفت: دولت رانتیر واژه نوینی است که تعریف نشده است. به عبارت دیگر، به نظر من، اصطلاح دولت رانتیر، یک اصطلاح تعریف شده حقوقی نیست. در واقع، دولت رانتیر در گونه‌بندی‌های نظریات موجود برای نوع دولت تعریف شده است، ولی به نظر می‌آید که دولت رانتیر تابعی از متغیر نارسایی‌ها و اوضاع و احوال فعلی کشور ماست. وقتی به مسایلی مانند خویشاوندسالاری، پاتریمونالیسم

و پاتری پاتروکراسی اشاره می‌شود، منظور معضلاتی است که در حال حاضر، جامعه ما با آن مواجه است. این بدان معناست که دولت رانتیر پدیده نوینی نیست، بلکه واژه نوینی است برای یکی از انواع دولت‌هایی که قبلاً طبقه‌بندی شده است.

این صاحب‌نظر حوزه حقوق و علوم سیاسی در ادامه افزود: لازم است توجه داشته باشیم که جامعه مانند تمام پدیده‌های اجتماعی، همواره در حال تکامل و دگرگونی است و هیچگاه از این سیوروت و سیلان مستمر و دایمی مصون نیست. بنابراین، در صحبت از نوع دولت باید توجه داشته باشیم که دولت پدیده اصیلی نیست، بلکه پدیده‌ای است که از جامعه جدا شده و چنانچه این انفکاک و انتزاع دولت از جامعه به درستی صورت گرفته باشد، دولت به عنوان یک صورت با جامعه به عنوان یک مبنا انطباق دارد و در این وضعیت، تعارضی بین دولت و جامعه ایجاد نمی‌شود. دولت رانتیر معلول نوعی تعارض و نارسایی است، به این معنا که علی‌القاعده دولت باید در رأس هرم جامعه و بر قاعده هرم، یعنی جامعه متکی باشد و در این حالت، چون مبنای وجودی دولت، جامعه است، ناچار است که خودش را با نیازها، اقتضاها و مطالبات جامعه تطبیق دهد. حال، اگر انتزاع و

دولت رانتیر، در فوق جامعه و جدای از آن قرار می‌گیرد و به بالا نگاه می‌کند و لذا به جامعه پاسخگو نخواهد بود.

انفکاک پدیده دولت از جامعه به درستی صورت نگیرد، با نوع خاصی از دولت مواجه خواهیم بود که در اوضاع و احوال فعلی دولت رانتیر نامیده می‌شود. چنین دولتی در رأس هرم جامعه قرار نمی‌گیرد و مبتنی بر جامعه نخواهد بود، بلکه در فوق جامعه و جدای از آن قرار می‌گیرد و به بالا نگاه می‌کند و لذا به جامعه پاسخگو نخواهد بود، بلکه در برابر پدیده‌ای پاسخگو خواهد بود که تعریف و حد منطقی معینی ندارد و عموماً بر مبادی غیبی‌ای استوار می‌شود که جامعه قادر به درک و لمس و شناختن آنها نیست. بنابراین، هر واژه‌ای که ما برای دولت رانتیر به کار ببریم، در این عموماًت می‌گنجد. خود واژه رانتیر تابعی است از نارسایی‌های فعلی جامعه ما، ولی هر نارسایی‌ای را در برمی‌گیرد و در وضعیت عام دیگر عنوان رانتیر برای آن، عنوان مناسبی نخواهد بود.

رابطه دولت، ملت و حق حاکمیت

دکتر شریف ضمن توضیح بیشتر این مطلب گفت: اگر دولت در رأس هرم اجتماعی قرار بگیرد، مالکیت یک حق قلمداد می‌شود، حقی که اگر دولت به آن تعرض کند - حتی در غیرمتکامل‌ترین و بدوی‌ترین جوامع - مشروعیتش به زیر علامت سوال خواهد رفت. به عبارت دیگر، حتی در بدوی‌ترین جوامع که جایگاه

شاهی بر حق الهی استوار است نیز حق مالکیت حقی است که در عرض حق الهی اریکه شاهی قرار می‌گیرد و یکی از آثارش این است که اگر شاه (ابتدایی‌ترین شکل دولت) به استناد حق الهی منصب شاهی، به مالکیت به عنوان حق الهی اعضای جامعه تعرض بکند، مشروعیتش از بین خواهد رفت، ولی چنانچه شاه مالکیت را برای اعضای جامعه حق قلمداد نکند، بلکه آن را امتیاز قلمداد کند، آنگاه می‌تواند این امتیاز را از کسی سلب کند و به دیگری ببخشد. این، مفهوم دولت رانتیر است. در یک جامعه متکامل، باید برابری حقوقی عامل تقسیم عواید اجتماعی باشد و این برابری حقوقی به مقامات اجتماعی هم بستگی ندارد، یعنی شاه، رئیس جمهور و یا خلیفه، یک جایگاه و منصب دارد و یک متصدی منصب، و منظور از برابری حقوقی، متصدی منصب است. در این حالت، آن متصدی منصب با یک انسان

معمولی هیچ تفاوتی نخواهد داشت و عواید اجتماعی باید براساس برابری حقوقی تقسیم شود، ولی اگر دولت آن را براساس نابرابری سیاسی تخصیص دهد، یک دولت رانتیر است که در آن، عامل تخصیص، متصدی منصب (عامل سیاسی) و نه خود منصب (عامل حقوقی) است، حال آن که در نظام برابری حقوقی، فرقی مابین متصدی منصب و افراد جامعه وجود ندارد. بنابراین، اگر دولت در رأس جامعه قرار داشته باشد و بنای خود را بر اعضای جامعه قرار بدهد، نماینده جامعه خواهد بود، ولی اگر دولت در فوق جامعه قرار بگیرد، چون متکی بر جامعه نیست، در برابر آن پاسخگو نخواهد بود و جهت پاسخگویی‌اش به سمت آسمان می‌رود، نه به سمت زمین و این دولت، دولت رانتیر است، دولتی که برآمده از اراده عمومی نیست و نمی‌توان آن را دولت دیکتاتوری و یا دولت استبدادی نامید، زیرا بین اینها تفاوت وجود دارد، یعنی دیکتاتوری، ویژگی خاص دولت‌های اروپایی است، در حالی که استبدادی، ویژگی خاص کشورهای آسیایی است. دولت رانتیر که مافوق جامعه قرار دارد، مالکیت را امتیاز تلقی می‌کند و نه حق، و چون برای خودش مشروعیت الهی قایل است، لذا این امتیاز را به هرکس که مایل است و براساس نابرابری سیاسی تخصیص می‌دهد، نه براساس برابری حقوقی.

حق اداره جامعه، متعلق به منصب است که شخص حقوقی است و نه متصدی منصب که شخص حقیقی است.

حفظ بقا و امنیت

وی سپس افزود: آنچه برای دولت رانتیر اهمیت دارد، بقای خودش است و چون جایگاهش را یک جایگاه ایدیولوژیک و آسمانی فرض می‌کند، لذا بقای خود را برای جامعه، یک امتیاز و موهبت تلقی می‌کند و عواید اجتماعی را نیز برای بقای خود تخصیص می‌دهد که در این حالت، تعریف امنیت که کارکرد اصلی و اساسی دولت برای جامعه است نیز تغییر می‌کند، یعنی دولت رانتیر در پی تأمین امنیت برای بقای خود است و منظورش از امنیت، امنیت حکومت است، نه امنیت جامعه و از اینرو، عواید را براساس نابرابری سیاسی به کسانی تخصیص می‌دهد که امنیت حکومت اقتضا دارد. به عبارت دیگر، هنگامی که ارزش‌هایی در جامعه ایجاد شود که متکی بر کار و تولید نیست، بلکه ناشی از سرمایه‌های سرگردانی است که از بیرون به جامعه تزریق

می‌شود، دولت را به دولت رانتیر تبدیل می‌کند. دکتر شریف در ادامه ضمن یادآوری این نکته که دولت رانتیر یک مقوله تاریخی است و تنها خاص چند دهه و یا حتی چندسده اخیر هم نیست. تأکید کرد: دولتی که در رأس جامعه قرار گرفته و بر قاعده اجتماعی استوار است و دلیل وجودی‌اش آسمان نیست، بلکه زمین است، به برابری حقوقی می‌اندیشد، نه به نابرابری سیاسی و از اینرو، برای بقای خودش، به بقای جامعه می‌اندیشد و عواید اجتماعی را براساس برابری حقوقی تقسیم می‌کند و تعریفش از امنیت نیز، امنیت حکومت نیست، بلکه امنیت جامعه است. بنابراین، چنین دولتی مالکیت را حق قلمداد می‌کند، نه امتیاز. با توجه به این تفاوت‌ها می‌توانیم به جای عبارت دولت رانتیر بگوییم دولتی که برآمده از اراده جامعه نیست و می‌توان هر نام دیگری از جمله دولت استبدادی، دولت دیکتاتوری و یا دولت رانتیر را بر آن نهاد.

علل و عوامل ایجاد دولت رانتیر

دکتر شریف در مورد علل و عوامل ایجاد دولت رانتیر گفت: عوامل ایجاد دولت رانتیر متعدّدند. یکی از این عوامل، عامل جغرافیایی است که نقش تعیین‌کننده‌ای در پیدایش دولت رانتیر دارد. تأثیر عامل جغرافیایی در پیدایش دولت رانتیر به این طریق است که چون در مناطق آب و هوایی خشک، محل‌های سکونت مردم و روستاها و شهرها پراکنده و بسیار دور از هم هستند، لذا همبستگی بین مردم و پدیده‌ای به نام ملت بوجود نمی‌آید. البته در حال حاضر، به علت انفجار تکنولوژی نوین اطلاعات و ارتباطات و نهادینه شدن حقی به نام جریان آزاد اطلاعات، این مقوله وجود ندارد، ولی در بحث یافتن علل یک پدیده باید به پیشینه‌های تاریخی آن هم توجه کنیم. در جوامعی که اجتماعات بشری مانند شهرها و روستاها در کنار هم قرار دارند، نوعی همبستگی بین جوامع بوجود می‌آید که زمینه‌های اعمال کنترل دولت را فراهم می‌آورد. بنابراین، دولت ناچار است که جامعه را زمینه اتکالی خود قرار بدهد و نه میانی غیبی را. در تاریخ کشور ما هم مشاهده می‌کنیم که عامل جغرافیایی باعث شد که مردم شهرهای نیشابور و سبزوار جداگانه با حمله مغول‌ها به ایران مقابله کنند و شکست بخورند.

این صاحب‌نظر حوزه حقوق و سیاست، وجود منابع زیرزمینی و طبیعی را از دیگر عوامل پیدایش دولت رانتیر در ایران ذکر کرد و متذکر شد که وجود این منابع، باعث می‌شود که دولت جامعه را دلیل وجودی خود نداند و خودش را در فوق جامعه قرار دهد، نه در عرض جامعه که این امر منجر به یک سلسله نارسایی‌ها در جامعه خواهد شد. وی در ادامه افزود: همانطور که قبلاً گفتیم، در همه جوامع یک منصب اجتماعی وجود دارد که شاه، خلیفه، رئیس‌جمهور، امپراتور و ... نامیده می‌شود و یک متصدی منصب و حقوق برای اداره جامعه، متعلق به متصدی منصب که شخص حقیقی است، نمی‌باشد، بلکه متعلق به منصب است که شخص حقوقی است. منصب، پدیده‌ای ماندگار است، ولی متصدی منصب، متغیر است. با ایجاد دولت رانتیر، پدیده‌های دیگری بوجود می‌آیند که جایگاه دولت تبدیل به جایگاه ایدیولوژیک می‌شود، نه جایگاه زمینی. یکی از این پدیده‌ها وحدت بین منصب و متصدی منصب است. در واقع، در وضعیت طبیعی، حقوق متعلق به منصب است، اما هنگامی که با فاکتورهای جغرافیایی روبرو می‌شویم و دولت دلیل وجودی خود را جامعه قلمداد نمی‌کند، منصب و متصدی منصب یکی می‌شوند. در چنین وضعیتی، حقوقی که باید به منصب تعلق بگیرد، به متصدی منصب تعلق خواهد گرفت. این حقوق بسیار متعدد است.

مالکیت عمومی و مالکیت خصوصی

دکتر شریف در ادامه راجع به بحث مالکیت گفت: در علم حقوق یک مالکیت عمومی داریم، یک مالکیت خصوصی. مالکیت خصوصی متعلق به اشخاص حقیقی، یعنی اعضای جامعه است و مالکیت عمومی متعلق به دولت است. مالکیت عمومی یک سلسله تکلیف برای دولت به بار می‌آورد، در حالی که مالکیت خصوصی برای مالک حق بوجود می‌آورد. به عنوان مثال، صاحب یک ملک، می‌تواند آن را اجاره بدهد و از منافعی بهره‌مند شود، ولی در عین حال، چون این ملک بخشی از سرزمین یک کشور است، در قلمرو مالکیت دولت هم هست، یعنی این ملک دو مالک دارد. تفاوت تعیین‌کننده میان مالکیت عمومی و مالکیت خصوصی بر یک ملک





● دکتر احمد میدری: نرخ رشد اقتصادی در کشورهای رانتی نسبت به سایر کشورها پایین تر است.

آن است که مالکیت عمومی برای دولت تکلیف ایجاد می‌کند تا شرایطی را فراهم کند که مالک خصوصی بتواند از ملک خود به بهترین شکل ممکن منفعت ببرد. وی افزود: یکی از علل استمرار دولت رانتیر هم از بین رفتن تفکیک میان مالک عمومی و مالک خصوصی است. در واقع، در دولت رانتیر به جای اینکه دولت مالکیت خود را بر قلمرو سرزمینی، مالکیت عمومی تلقی کند، حقوقی را برای مالکیت خود در نظر می‌گیرد که متعلق به مالک خصوصی است و بر همین اساس، احساس می‌کند که حق دارد تا این مالکیت را بر پایه نابرابری سیاسی اعطا کند. در چنین حالتی، دولت رانتیر به خود حق می‌دهد که عواید حاصل از نفت را صرف تأمین امنیت خود بکند، در حالی که مالک عمومی چنین حقی ندارد و این حق، متعلق به مالک خصوصی است. لذا یکی از علل نهادینه شدن دولت رانتیر، مالکیت منابع طبیعی مانند زمین، آب، نفت و ... است. در دیدگاه دولت رانتیر، بین منصب و متصدی منصب، مالک عمومی و مالک خصوصی تفکیک وجود ندارد و دولت خود را دارای حقوقی قلمداد

می‌کند که متعلق به مالک خصوصی است. از اینرو، تعریف انفال مطرح می‌شود که در قانون اساسی ما هم منعکس شده است.

رانتیریسم و توسعه

دکتر احمد میدری، عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه چمران، آخرین میهمانی بود که در بخش اول این میزگرد به اظهار نظر پرداخت. وی در ابتدای سخنانش انتشار مجله حقوق و اقتصاد را گامی در جهت یافتن یکی از حلقه‌های مفقوده در جامعه ذکر کرد و افزود: متأسفانه در سنت دانشگاهی کشور ما حداقل در دانشکده اقتصاد بحث حقوق و سیاست و جامعه‌شناسی را کنار گذاشته‌اند و به قول یکی از دانشجویان، اقتصادی که در دانشکده‌های اقتصاد تدریس می‌شود، عموماً غیرواقعی بینانه و با توصیه‌ها و تحلیل‌های نادرست همراه است. وی سپس اظهار امیدواری کرد که انتشار مجله حقوق و اقتصاد بتواند در روشن کردن وجه حقوقی که برای درک اقتصاد مهم است، مؤثر واقع شود. این صاحب‌نظر اقتصادی در ادامه سخنانش اظهار داشت: مفهوم رانت اولین بار در سال ۱۹۷۳

در مقاله مهدوی مطرح شد. تا قبل از آن، مفهوم رانت وجود داشت، ولی دولت رانتیر مطرح نشده بود و این عاریه‌ای بود که مهدوی از بحث رانت ریکاردو گرفت. ریکاردو معتقد بود که با بسته شدن تجارت خارجی در انگلستان، اجاره‌بهای زمین‌های کشاورزی کم بهره افزایش پیدا می‌کند و این اضافه‌درآمدی که نصیب صاحبان زمین‌های کم‌بازده می‌شود، یک درآمد بادآورده است که مشکلات عدیده‌ای را برای کل اقتصاد انگلستان به وجود می‌آورد. ریکاردو، رانت را به عنوان یک عامل ضد توسعه مطرح کرد و معتقد بود که رانت حتی اخلاقیات جامعه را دگرگون می‌کند و افراد به جای اینکه از طریق کار مولد و خلاق، ثروت بیندوزند، از طریق بسته شدن فضای تجارت و بدون انجام هیچ کاری و فقط با افزایش قیمت زمین‌ها، به یکباره ثروت زیادی را به دست می‌آورند. وی تئوری تقسیم کار بین المللی و آزادی تجارت خارجی را برای از بین رفتن رانت مطرح کرد. دکتر میدری سپس دولت رانتیر را مفهوم جدیدی ذکر کرد و در تعریف آن گفت: دولت‌هایی که درآمدهای خارجی ناشی از فروش منابع طبیعی سهم عمده‌ای از درآمدهایشان را تشکیل می‌دهد، دولت رانتیر نامیده می‌شوند. وی افزود:



● محمدحسین دانایی: چه نسبتی بین دولت رانتیر و جامعه رانتیر وجود دارد؟

استبداد مدرن در ایران بوجود آمد و در صورت قطع نفت، مشکل حل می‌شود، ولی چنین تحلیلی ساده‌سازی موضوع است، زیرا ریشه‌های استبداد در ایران خیلی پیچیده‌تر است و ساختار مالی دولت نمی‌تواند موجد اینهمه مشکل بشود.

نسبت بین دولت رانتیر و جامعه رانتیر سردبیر مجله حقوق و اقتصاد در این بخش از میزگرد گفت: به نظر می‌رسد که ساختار جامعه و کارکرد بخش خصوصی و همینطور مناسبات حقوقی و اجتماعی موجود بین شهروندان هم از جمله عناصری هستند که نباید از آنها غافل بود. در واقع، به دنبال سوالی که آقای دکتر میدری مطرح کردند، باید در جستجوی آن باشیم که چه نسبتی بین دولت رانتیر و جامعه رانتیر وجود دارد؟ آیا این دو، رابطه تقدم و تأخر با یکدیگر دارند؟ یا رابطه علت و معلولی؟ آیا جامعه و دولت رانتیر لازم و ملزوم یکدیگرند و یا اینکه می‌توانند مستقل از یکدیگر حضور داشته باشند؟ این سوالات ما را به سمت جستجوی علل پدید آمدن این پدیده راهنمایی خواهند کرد.

مهدوی این بحث را مطرح کرد که بعد از ملی شدن نفت در ایران، موجی در جهان بوجود آمد که در نتیجه آن، منابع طبیعی ملی شدند و قیمت آنها به شدت افزایش پیدا کرد و به همین علت، انتظار می‌رفت که از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۳ ایران به رشد چشمگیری دست یابد، اما تجربه نشان داد که نرخ رشد اقتصادی در کشورهای رانتی نسبت به سایر کشورها پایین‌تر است.

وی در ادامه افزود: براساس نظریه دولت رانتیر، دولت‌ها بر دو دسته‌اند: (۱) دولت‌هایی که درآمدهای خود را از طریق اخذ مالیات کسب می‌کنند. چنین دولت‌هایی اعوجاج‌های زیادی در اقتصاد ایجاد نمی‌کنند، پاسخگو هستند و می‌توانند به سمت دموکراسی حرکت کنند؛ (۲) دولت‌هایی که صاحب درآمدهای بادآورده حاصل از فروش منابع طبیعی کشور هستند. این دولت‌ها در فوق جامعه قرار می‌گیرند و چون مالیات نمی‌گیرند، لذا برخاسته از اراده جامعه هم نیستند.

این استاد دانشگاه در ادامه سخنانش با اشاره به اینکه نظریه دولت رانتیر در ایران با نام کاتوزیان و در دنیا با نام مهدوی شناخته شده است، گفت: اگرچه مهدوی و کاتوزیان هیچگاه نگفتند که با قطع درآمد نفت، مشکل حل می‌شود، ولی طوری بحث را مطرح کردند که گویا ریشه عقب‌ماندگی و استبداد در ایران نفت است و اگر کشور نفت نداشته باشد، خیلی از اتفاقات رخ

می‌دهند. بر همین اساس، فعالان سیاسی ما - از جمله در ایام انتخابات اخیر - پیشنهاد می‌کردند که پول نفت بین مردم تقسیم شود و یا سهام شرکت ملی نفت ایران به مردم واگذار شود تا دولت ایران ثروت بادآورده نداشته باشد و برای تأمین هزینه‌هایش در پی مالیات‌گرفتن برود و عقلانی تصمیم بگیرد و بدین ترتیب، مشکلات متعدد اقتصاد ایران از بین می‌رود. ولی آیا واقعاً ریشه مشکل در اینجاست؟ یعنی اگر کشور ما نفت نداشت، امروز ایران یک جامعه دیگر بود؟ امروز ایران زاین بود یا افغانستان؟

وی در ادامه سخنانش متذکر شد که به نظر کاتوزیان، ساختار مالکیت زمین و به نظر برخی دیگر از صاحب‌نظران، ساختار مالکیت آب، مانع شکل‌گیری بخش خصوصی مستقل از دولت در تاریخ ایران بوده و بعد از کشف نفت نیز یک نوع



● جان لاک معتقد است که دولت باید حافظ منافع عمومی و منافع خصوصی افراد باشد، ایجاد امنیت کند، حدود و ثغور مرزها را حفظ کند و عدالت اجتماعی را برپا دارد.

همه اینها از مصادیق رانت هستند. حال، اگر دولتی به این منابع زیرزمینی دسترسی نداشته باشد، برای تأمین هزینه‌هایش مالیات‌ها را افزایش می‌دهد و یا شیوه توزیع ثروت را تغییر می‌دهد، یعنی از یک عده‌ای می‌گیرد و به عده دیگری که پتانسیل حمایت از دولت را دارند، می‌دهد. دولت‌های رانتیری که به منابع زیرزمینی کشور مانند نفت، طلا، گاز و... دسترسی دارند، از این منابع برای تأمین هزینه‌هایشان استفاده می‌کنند و چون نیازی به مردم ندارند، لذا در اقداماتشان جری‌تر می‌شوند و به هیچکس هم پاسخگو نیستند.

دکتر جامساز در ادامه بررسی دامنه آثار دولت رانتیر بر حیات اقتصادی جامعه گفت: از سوی دیگر، چون دولت‌های رانتیر به ویژه در کشورهای نفت‌خیز - نقشی در تعیین قیمت منابع تحت مالکیت خود ندارند و قیمت این منابع در بازارهای بین‌المللی تعیین می‌شود، لذا نمی‌توانند برنامه‌ریزی درستی برای درآمدهای حاصل از آن داشته باشند، به طوری که ممکن است با افت قیمت نفت، با کاهش درآمد روبرو شوند و اقتصاد رانتی‌ای که ایجاد کرده‌اند، برضد اینگونه دولت‌ها عمل کند و آنها را ساقط کند. وی افزود: یکی

پیامدها، آثار و راه‌حل‌ها

در بخش دوم می‌زگرد، صاحب‌نظران حاضر در جلسه دیدگاه‌های خود را پیرامون پیامدها و آثار و راه‌حل‌های برون‌رفت از مشکلات ناشی از رانتیرسم اعلام کردند. آغازگر این بخش از میزگرد هم دکتر جامساز بود. وی در ابتدا گفت: رانت در اقتصاد عبارتست از پرداخت اضافی بر تولید حاشیه‌ای، یعنی هرکس اضافه بر میزان تولیدش، دریافتی داشته باشد، آن را رانت می‌گویند. در عین حال، هیچ لزومی هم ندارد که دولت به منابعی خارج از حوزه درآمد‌های مردم مانند منابع طبیعی دسترسی داشته باشد تا به آن دولت رانتیر گفته شود، زیرا در بسیاری از دولت‌های دموکراتیک هم رانت وجود دارد، یعنی وقتی یک وزیر صرف‌نظر از صلاحیت‌های واقعی، همکارانش را از میان کسانی که به او نزدیک‌ترند، انتخاب می‌کند، یک عمل رانت‌جویانه انجام می‌دهد. آن کروکر، رانت را بسیار جذاب می‌داند و معتقد است که برای رانت‌جویی و رانت‌خواری، رقابتی ایجاد می‌شود که گاهی بسیار شدید است.

پیامدهای اقتصادی رانت

دکتر جامساز در ادامه سخنانش به امکان وجود رانت در بخش‌های خصوصی و عمومی علاوه بر بخش دولتی اشاره کرد و ایجاد انحصار برای برخی از شرکت‌های بخش خصوصی و عمومی از طریق اعمال نفوذ برای تولید، واردات و یا صادرات برخی کالاها را مصداق نوعی رانت و امتیازدهی به افراد دانست. وی سپس کاهش رانت در کشورهای توسعه‌یافته را موجد پیشرفت بیشتر آنها ذکر کرد و افزود: یکی از دلایل رشد و توسعه انگلستان پس از انقلاب صنعتی، کاهش رانت‌جویی بود. همچنین توسعه اقتصادی در چین هم با آنکه یک کشور دموکراتیک نیست، تا حد زیادی به علت کاهش رانت و رانت‌جویی است. بسیاری از دولت‌ها که عملکرد ناکارآمد آنها موجب ایجاد نارضایتی در مردم شده است، هزینه‌های زیادی برای ایجاد رضایت‌بخشی‌های ناپایدار می‌کنند، مثلاً هزینه‌هایی برای جلب موافقت و حمایت یک گروه اقتدارگرا می‌کنند که

وقتی که دارایی کل به عنوان حقوق کل بین تمام آحاد یک سرزمین تقسیم بشود، محلی برای استملاک دولت باقی نمی‌ماند، یعنی مالکیت تمام منابع نفتی ما که الان به طور مشاعی و غیر قابل اختصاص عین به افراد خاص است، به لحاظ ارزش متعلق به همه افراد جامعه است و اداره امور عمومی با دولت است که این امر نباید به هیچ‌وجه برای دولت ایجاد مالکیت بکند.



● ریکاردو، رانت را به عنوان یک عامل ضد توسعه مطرح کرد.

دیگر از آثار اقتصاد رانتی، کاهش شدید بهره‌وری در جامعه است، زیرا وقتی که در یک اقتصاد رانتی برخی افراد از طریق دلال بازی و ارتباطات و گرفتن اعتبارات ارزان قیمت در زمینه‌های غیرتجاری فعالیت کنند، تولید کاهش پیدا می‌کند، رقابت از بین می‌رود و در نتیجه آن، استعدادها شکوفا نمی‌شوند و بهره‌وری هم پایین می‌آید. اینها به زیان تولید کشور است و در درازمدت، موجب فقیرتر شدن مملکت می‌گردد. وی در ادامه گفت: در بیشتر کشورهایی که تأمین مالی دولت‌های آنها متکی بر منابع طبیعی است، هم تولید ناخالص ملی نسبت به کشورهای فاقد این منابع کمتر است و هم بیکاری و فقر و فاصله طبقاتی در آنها بیشتر است، چنانکه یافته‌های دانشمندی همچون توماس فریدمن،

ریچارد آتی، آندره وارنر و جفری سکس در مطالعات خود بر روی کشورهای نفتی نشان داد که کشورهایی که درآمدهای نفتی بیشتری داشتند، فقیرتر بودند و بی‌نظمی‌های اقتصادی و مالی در آنها اوج داشته است.

نعمت یا نعمت؟

این صاحب‌نظر اقتصادی در بخش دیگری از اظهاراتش در پاسخ به این سوال که آیا وجود منابع طبیعی نعمت است یا نعمت؟ گفت: وقتی که یک منبع عظیم مالی، پشتوانه تشکیلات عظیم دولت باشد، بسته به آنکه دولت چگونه از آن بهره‌برداری کند و در چه زمینه‌هایی آن را به کار بیندازد، می‌تواند نعمت یا نعمت تلقی شود. بله، اگر درآمدهای نفتی به شیوه حاکم بر ایران هزینه شود، مسلماً نفت برای کشور ما نعمت نیست، بلکه نفرین منابع است، در حالی که کشورهایی مانند نروژ هم هستند که به درستی از منابع نفتی خود استفاده کرده‌اند، یعنی درآمد حاصل از نفت خود را وارد چرخه اقتصادی کشورشان نکرده‌اند. میزان ذخایر ارزی نروژ در پنج سال قبل ۳۰ میلیارد دلار بود که الان به بیش از ۳۸۰ میلیارد دلار رسیده است و جالب اینکه در سال گذشته در بودجه این کشور تصویب شد که چهار درصد از منافع موجودی حساب ذخیره ارزی وارد بودجه این کشور شود. اینگونه عملکردها نشان‌دهنده آنست که اصل منابع، نعمت است و موجب بدبختی و فلاکت یک ملت نمی‌شود، بلکه نوع نگاه حاکمان به مصرف این منابع و هزینه‌کرد عواید ناشی از آنهاست که

جوامع مدنی همیشه اداره امور عمومی را که تحت مالکیت مشاعی همه مالکان خصوصی یک سرزمین قرار دارد، به دولت واگذار می‌نمایند.

مشکلاتی را ایجاد می‌کند.

دکتر جامساز همچنین در مورد آثار زیانبار هزینه‌کرد عواید حاصل از نفت در بودجه کشورمان گفت: در کشورهایی مانند کشور ما که درآمد نفت وارد بودجه می‌شود، وقتی دولت با کسری بودجه روبرو می‌شود، از حساب ذخیره ارزی برداشت می‌کند، چرا آنهم به صورت فراقانونی. چرا می‌گوییم فراقانونی؟ چون در قانون برنامه سوم و ماده یک برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، بر هدف از تأسیس حساب ذخیره ارزی و نحوه برداشت از آن تأکید شده است، اما گاهی خود مجلس طرحی را می‌دهد و یا دولت لایحه‌ای را به مجلس می‌برد و مجلس هم تصویب می‌کند که دولت از این حساب در تغایر با هدف اولیه از تأسیس این حساب برداشت کند. دولت هم باید ارز برداشتی از حساب ذخیره ارزی را تبدیل به ریال کند تا بتواند آن را در داخل کشور عرضه کند، ولی چون نرخ ارز در کشور ما ثابت نگاهداشته شده و ارتباط آن با عرضه و تقاضای بازار قطع شده، لذا اگر دولت نتواند این ارز را در داخل کشور به مردم بفروشد، نمی‌تواند قیمت آن را کاهش دهد تا به فروش برسد، لذا به ناچار بانک مرکزی باید این ارز را بخرد که در این صورت، دارایی‌های خارجی بانک مرکزی افزایش پیدا می‌کند، یعنی پایه پولی کشور افزایش می‌یابد و وقتی که چنین اتفاقی بیفتد، نقدینگی در جامعه بالا می‌رود و ضریب فزاینده نقدینگی که الان حدود ۴/۷ است، بر روی آن تأثیر می‌گذارد و تورم را



● دکتر مهدی شبروحی: آیین‌نامه اخیرالتصویب قوه قضاییه راجع به استقلال کانون وکلای دادگستری، اقدامی است در راستای تأمین رانت قضایی و اعمال حاکمیت مسلم دولت رانتییر و خدشه دار کردن ابزار دفاع مردم در سیستم عدالت قضایی.

دولت - ملت ایران با جوامع مدرن ذکر کرد و افزود: نظام رانتی، شکلی از نظام نیوپاتریمونالیسم است که جای بوروکراسی و شایسته‌سالاری مدرن را می‌گیرد. بنابراین، رانتیریسیم ضد دموکراسی عمل می‌کند، زیرا بهره‌جویان از رانت نمی‌خواهند که جامعه به دموکراسی دست یابد و حقوق فردی و سیاسی و حقوق شهروندی افراد مورد توجه قرار گیرد. به همین علت هم با آنکه موج سوم دموکراسی کشورهای اروپای شرقی و آسیایی را فراگرفته، نتوانسته است وارد اکثر کشورهای وابسته به نفت در خاورمیانه بشود. این امر نشاندهنده آن است که رانتیریسیم بسیار ضد دموکراتیک است و تا وقتی که رانت وجود داشته باشد و نخبگان حاکم، اعمال حاکمیت داشته باشند، درحالی‌که نخبگان شایسته غیرحاکم در حاشیه قرار بگیرند و در نتیجه آن، یک روند دموکراتیک در جامعه وجود نداشته باشد که در آن، مشکلات مطرح و انتقادات به درستی شنیده شوند و کسانی پاسخگوی مشکلات مردم نباشند و تا زمانی که دولت پاسخگو نباشد و تفکیک قوا به

دولت رانتییر اساساً در نظر مردم جامعه نامشروع است و مردم همیشه از دولت‌های رانتییر طلبکارند.

ایجاد می‌کند و تورم هم به نوبه خود قدرت خرید پول ملی را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، هزینه‌کردن درآمدهای حاصل از فروش دلارهای حساب ذخیره ارزی توسط دولت، برای دریافت‌کنندگان آن که خود دولتی‌ها هستند، ایجاد تقاضا می‌کند و چون عرضه‌ای برای این تقاضاها شکل نگرفته، لذا قیمت‌ها به طور وحشتناکی بالا می‌رود. راهکار حل این مشکل هم آنست که تدبیری درمورد نحوه هزینه‌کرد درآمدهای نفتی و توزیع آن بین مردم اندیشیده شود.

پیامدها و آثار اجتماعی

دکتر توسلی نیز در بررسی پیامدها و آثار اجتماعی دولت رانتییر گفت: علاوه بر عامل جغرافیایی، عوامل سیاسی، فرهنگی و عامل مذهبی به ویژه در ایران - نیز در پدید آوردن دولت رانتییر نقش دارند و نحوه اثرگذاری این عوامل باید مورد بحث و بررسی قرار گیرد. وی در ادامه سخنانش علت طرح بحث دولت رانتییر در کشور را مقایسه دولت مستقل از ملت را به جای جامعه،

معنای واقعی وجود نداشته باشد و حقوق عمومی مردم - اعم از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی آنها - رعایت نشود، خودبه خود رانتیریسیم استمرار پیدا می کند و به طور مستمر خودش را باز تولید می کند. و هر حکومتی که بر سر کار بیاید، سعی می کند تا با محدود کردن دموکراسی، از منافع و فواید رانت بهره مند شود، حال آنکه یک دولت ملی (State Nation) سعی می کند تا از درآمد نفت در جهت منافع مردم بهره برداری کند و



همانطور که گفته شد، دولت نروژ نمونه ای از یک دولت ملی است که در آن یکی از قوی ترین دموکراسی ها، مخصوصاً از نظر روابط اجتماعی وجود دارد. در نروژ ارتباط مستقیم بین دولت و ملت در قالب جامعه مدنی شکل گرفته و این دو از یکدیگر جدا نیستند، یعنی دولت نروژ منتخب و زاینده ملت و وابسته و پاسخگو به ملت است و در نتیجه، کنترل مردم بر منابع تحت اختیار دولت وجود دارد. به دلیل وجود دموکراسی در نروژ، امروزه درآمدهای سرانه این کشور در رأس درآمدهای سرانه کشورهای دنیا قرار گرفته است. بنابراین، از نظر اجتماعی اگر مردم بر منابع تحت اختیار دولت کنترل و نظارت نداشته باشند و یک دموکراسی واقعی شکل نگیرد، دولت رانتیر همواره خود را باز تولید می کند و تحمیل میکند و این وضعیت ادامه می یابد.

نمونه پیچیده تر

دکتر توسلی در ادامه بررسی آثار و تبعات عملکرد دولت رانتیر در جامعه گفت: بررسی عملکرد دولت رانتیر در ایران کمی پیچیده تر است، به این معنا که گفته می شود که در ایران دولت آنقدر پول و اعتبار از رانت های در اختیار به دست می آورد که به مردم و مالیات آنها احتیاجی ندارد و می تواند به راحتی به مشارکت و دخالت مردم بی اعتنا باشد. ولی به نظر من، این وضعیت در ایران به تدریج تغییر کرده است، یعنی در عین حال که دولت درآمدهای حاصل از رانت را دارد، به درآمدهای مالیاتی هم علاقمند است و به آن توجه می کند، به طوری که حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد درآمدهای دولت را مالیات های وصولی تشکیل می دهد. نکته قابل توجه در اینجا آنست که در کشورهای دموکراتیک مردم از یکسو، پرداخت

مالیات را وظیفه خود می دانند و از سوی دیگر، چون دولت به ملت پاسخگوست، مردم فکر می کنند که مالیات آنها به درستی هزینه می شود. ولی در کشورهای غیر دموکراتیک، چون دولت به مردم پاسخگو نیست، نه مردم به درستی مالیاتشان را می پردازند و نه دولت احتیاجی به اخذ مالیات از مردم دارد. بنابراین، به لحاظ اجتماعی در ایران با جامعه خاصی سروکار داریم که از دولت جدا افتاده و برای رسیدن به حقوق

سیاسی و مدنی خود تلاش می کند، ولی به آن نمی رسد و هر تلاشی برای ایجاد جامعه دموکراتیک از طریق دستگاه های تبلیغاتی و دستگاه های فشار متوقف می شود و باز باید مدتی بگذرد تا تلاشی دیگر صورت بگیرد. بنابراین، ضدیت رانتیریسیم با دموکراسی، موجب عدم توسعه مشارکت اجتماعی و عدم شکل گیری نهادهای اجتماعی و سیاسی می شود که از جمله عوامل عمده استمرار رانتیریسیم در کشورهایی مانند کشور ماست و عدم تشکیل و ضعف احزاب سیاسی در این کشورها هم به گردن اعضای جامعه انداخته می شود، در حالی که ساختار رانت پروری و رانت خواهی علت آن است. به عبارت دیگر، در شرایط وجود خلأ سیاسی است که رانتیریسیم می تواند منافع گروه های خاص اجتماعی وابسته به خود را تأمین کند و توسعه به درستی صورت نگیرد، ولی اگر جریان آزاد اطلاعات، روزنامه ها، احزاب و NGOها در جامعه به طور طبیعی وجود داشته باشند، انسجام بخشی در روابط دولت - ملت متحقق خواهد یافت. البته در مواردی هم دولت با حمایت جزیی از برخی از تبپ ها، آنها را به زیر چتر حمایتی خود می برد و خلع سلاحشان می کند تا کاری از دستشان بر نیاید. بنابراین، مسایل اقتصادی رانت با توجه به مسایل اجتماعی و سیاسی بسیار پیچیده بوده و منجر به وقایع بسیار ناگواری می شود مانند این که هنوز معلوم نیست که میلیاردها دلار درآمد نفت کشور در ظرف مدت چند دهه گذشته چگونه خرج شده و چه مقدار از آن در امور تولیدی سرمایه گذاری شده است.

وی در پایان این بخش از اظهاراتش، مشکلات ریشه دار فرهنگی، تلقی مذهب از دولت، عدم آشنایی مردم با حق خود، و

عدم استقرار قانون و عدم شکل‌گیری یک دولت دموکراتیک در ایران را از جمله آثار و پیامدهای دولت رانتیر در ایران برشمرد.

مالکیت مشاعی در جوامع مدنی

در این بخش از مباحث، دکتر شبروهی با تأکید مجدد بر نظر خود در مورد تعریف دولت رانتیر به عنوان یک پدیده و مکانیسم ضد حقوق مالکیت خصوصی، اظهار داشت: برخلاف نظر آقای دکتر شریف، معتقدم که ما چیزی به نام مالکیت عمومی نداریم، بلکه مالکیت خصوصی دارای اختصاصات تملکی ویژه خودش است، به اضافه اینکه امور حقوقی از قابلیت اختصاص عین به فرد برخوردار نیست. به همین علت هم جوامع مدنی همیشه اداره امور عمومی را که تحت مالکیت مشاعی همه مالکان خصوصی یک سرزمین قرار دارد، به دولت واگذار می‌نمایند. وقتی ما مالکیت عمومی را می‌پذیریم و نهادی را به عنوان دولت در کنار آن داریم، پس می‌توانیم به دولت این حق را بدهیم که نسبت به مالکیت عمومی اعمال مواهب مالکانه بکند، یعنی برای کل ثروت و اندوخته‌ها و ارزش‌های تولیدشده اقتصادی تصمیم‌گیری کند، اما من فکر می‌کنم که منظور آقای دکتر شریف، جنبه تمثیلی مالکیت عمومی است، زیرا وقتی مفاهیم آن را توضیح دادند، دقیقاً با ما هم عقیده‌اند.

این حقوقدان در ادامه سخنانش تعرض دولت رانتیر به حقوق مالکیت خصوصی را یکی از آثار این دولت ذکر کرد و در توضیح بیشتر این موضوع گفت: بنده معتقدم که حقوق کل، یعنی دارایی کل یک جامعه - تعریف شده برابر تعریف جامعه‌شناسی و نه براساس شکل تکوینی اجتماعات بشری - جامعه‌ای که دارای قلمرو سرزمینی مشخص و نظم‌آفرینی یکپارچه برای تمامی شعاع عملیاتی آن سرزمین است، متعلق به کل مردم آن جامعه است. بنابراین، کل دارایی جامعه ایران شامل نفت، معادن، کانیات و ارزش‌های تولیدشده اقتصادی که نتیجه تولید اجتماعی است، متعلق به کل مردم ایران است. پس، وقتی که دارایی کل به عنوان حقوق کل بین تمام احاد یک سرزمین تقسیم بشود، محلی برای استملاک دولت باقی نمی‌ماند، یعنی مالکیت

تمام منابع نفتی ما که الان به طور مشاعی و غیرقابل اختصاص عین به افراد خاص است، به لحاظ ارزش متعلق به همه افراد جامعه است و اداره امور عمومی با دولت است که این امر نباید به هیچ‌وجه برای دولت ایجاد مالکیت بکند، ولی مشکل هنگامی ایجاد می‌شود که مالکیت دولت بر تمامی دارایی کل مشاعی را که قابلیت اختصاص به احاد اجتماعی ندارد، بپذیریم و بخواهیم مواهب مالکانه را از دولت سلب کنیم. در تمام کشورهای سوسیالیستی سابق، چون دولت خود را مالک اموال عمومی می‌دانست، لذا استبداد در آن کشورها بوجود آمد، حال آنکه در کشورهای مترقی مانند کشورهای اروپایی و آمریکایی، اصلاً دولت‌ها مالک بخش عمومی نیستند، بلکه تکلیف به اداره امور عمومی مردم دارند.

این عضو تحریریه در بخش دیگری از سخنانش گفت: در کشور ما اگر قرار باشد که دولت مالک تمام اموال عمومی شهر باشد، چرا باید شورا‌های اسلامی شهر به وجود بیایند؟ اصلاً چرانهاد شورا یک نهاد مترقی است؟ علت آن است که آنها مکلف به اداره امور عمومی هستند و مالک اموال عمومی نیستند، ولی اگر بگوییم دولت مالک اموال عمومی است، نمی‌توان حق مالکیت را سلب کرد، بلکه باید آن را منتقل کرد. لذا مالکیت خصوصی و مالکیت عمومی دو مقوله‌ای هستند که در جوامع مترقی همواره در تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرند.

رابطه دولت با اموال عمومی

دکتر محمد شریف نیز در توضیحی پیرامون مالکیت عمومی گفت: اموال عمومی و اموال خصوصی و مالکیت عمومی و مالکیت خصوصی با هم متفاوتند. به عبارت دیگر، مالکیت عمومی رابطه منصب دولت و نه متصدی این منصب را با قلمرو سرزمینی اش معین می‌کند و از این رو، این مالکیت برای مالک آن در برابر مردم آن سرزمین تکلیف ایجاد می‌کند و از حیث تأمین امنیت قلمرو سرزمینی در برابر سایر کشورها حق ایجاد می‌کند تا امنیت مالک خصوصی را فراهم کند تا به بهترین شکل ممکن از مالکیت خویش منتفع شود. حال این سوال مطرح می‌شود که به چه علت دولت محق است از قلمرو سرزمینی اش در

دولتی که برآمده از اراده عمومی نیست، می‌تواند به نام دولت استبدادی، دولت دیکتاتوری یا دولت رانتیر نامیده شود.

برابر تهاجم خارجی دفاع کند؟ این حق از آنجا برای دولت بوجود می‌آید که مالک عمومی است و آثار و عوارضی که بر این مالکیت عمومی بار می‌شود، تکلیف تأمین امنیت برای مالک خصوصی است تا از مالکیت خصوصی خود به انحراف مختلف بهره‌مند نشود. بنابراین، مالکیت عمومی وجود دارد و این مقوله با اموال عمومی متفاوت است، یعنی اموال عمومی، اعم از اموال دولتی است و رابطه دولت با اموال دولتی، عین رابطه مالک خصوصی با ملک خویش است. به عبارت دیگر، همانطور که سند مالکیت آپارتمان یک شخص به نام اوست، سند مالکیت کاخ دادگستری هم به نام دولت است، یعنی حتی

شکل اموال دولتی با اموال خصوصی یکی است و تنها تفاوت آنست که مالکیت دولت بر اموال دولتی متعلق به منصب است و نه متعلق به متصدی منصب و اصل جانشینی هم در اموال دولتی حاکمیت دارد، یعنی تغییر حکومت‌ها تغییری در مالکیت اموال دولتی ایجاد نمی‌کند، یعنی همان

حقوقی که نظام شاهنشاهی نسبت به اموال دولتی داشت، نظام جمهوری اسلامی هم دارد. ولی اموال عمومی مانند مراعات، کوهستان‌ها و جنگل‌ها اموال دولتی نیستند، بلکه دولت متصدی آنهاست. بنابراین، بین اموال عمومی و مالکیت عمومی دولت بر قلمرو سرزمینی‌اش تفاوت وجود دارد و بین اموال عمومی که دولت مسوول نگهداری آنهاست و اموال دولتی که دولت مالک آنهاست هم تفاوت وجود دارد.

تبدیل اموال عمومی به اموال دولتی

دکتر شریف سپس تبدیل اموال عمومی به اموال دولتی را یکی از مخاطرات کنونی کشور ذکر کرد و افزود: یکی از مشخصات کنونی دولت رانتیر در کشور ما، تبدیل اموال عمومی به اموال دولتی است و چون طبق قانون محاسبات عمومی رابطه دولت با اموال دولتی مانند رابطه مالک خصوصی با ملک خویش، یعنی قابل فروش است، لذا دولت از یک طرف، اموال عمومی را به اموال دولتی تبدیل می‌کند و از طرف دیگر، با استفاده از قانون محاسبات عمومی، این اموال را به اعوان و انصار خود می‌بخشد. بنابراین، رابطه بین دولت و قلمرو سرزمینی‌اش در کشور ما، مالکیت عمومی است که ایجاد تکلیف می‌کند، نه

حق، و چون این مالکیت وجود دارد، لذا دولت محق است که در برابر تهاجم خارجی از قلمرو سرزمینی‌اش دفاع کند.

دکتر جامساز نیز در اظهار نظر خود در این مورد گفت: از نظر حقوقی، ما تعریف روشنی از مالکیت خصوصی داریم. در قانون مدنی کشور ما، مالک کسی است که حق اعمال اراده مالکیت بر مایملک خود را داشته باشد. یعنی بتواند مایملک خود را اجاره دهد، بفروشد، قرض بدهد و یا هبه کند یا به رهن گذارد. اما صحبت از مالکیت عمومی، مالکیت بر اموال عمومی را در اذهان تداعی می‌کند، نه مالکیت عمومی بر ملک شخصی افراد را.

دکتر شریف در پاسخ به دکتر جامساز بار دیگر

اظهار داشت که بین مالکیت عمومی و اموال عمومی تفاوت وجود دارد، یعنی اینکه رابطه دولت با ملک خصوصی افراد جامعه با رابطه دولت با مراعات و جنگل‌ها و ... متفاوت است. به مراعات می‌گویند اموال عمومی، ولی رابطه دولت با ملک خصوصی افراد، مالکیت عمومی است، زیرا ملک افراد بخشی از قلمرو سرزمینی را تشکیل می‌دهد و دولت به عنوان مالک عمومی ملک خصوصی افراد موظف است که در برابر تهاجم خارجی از امنیت ملک خصوصی افراد دفاع کند تا مالک خصوصی بتواند از منافع ملک خود به بهترین شکل ممکن بهره‌مند شود.

دکتر احمد میدری نیز در اظهار نظر راجع به مالکیت عمومی و مالکیت دولتی گفت: در قوانین برنامه ما، پذیرفته شده است که نفت یک ثروت بین نسلی است که دولت مالک آن نیست و دولت تنها می‌تواند به ازای اکتشاف و استخراج نفت، بخشی از درآمدهای نفت کشور را بردارد و تکلیف باقیمانده این درآمدها را هم مجلس تعیین خواهد کرد. لذا من فکر نمی‌کنم که مصداقاً اختلاف نظری وجود داشته باشد، ولی اگر در نظام حقوقی و قانونی ما ابهاماتی وجود دارد که باعث شده درآمدهای نفتی موجب رانت برای دولت بشود، مصادیق آن مطرح شود، زیرا باز شدن این بحث برای جامعه مفید است.

سپس دکتر شبروهی در این مورد گفت: بنده معتقدم که مصداقاً تمام اموالی که خارج از ظرف حوزه مالکیت خصوصی قرار دارند، اموال عمومی هستند و فاقد وصف مالکیت دولتی، بلکه

قوانین همعرض، ملت را سرگردان می‌کنند و موجب ایجاد خدشه در اعمال مواهب مالکانه آنها می‌شوند.



● دکتر احمد میدری: دولت رانتیر باعث رشد سریع شهرنشینی، تغییر قشر بندی اجتماعی و گسترش نظام اداری می‌شود.

سوال ببریم، زیرا وقتی ما به بحث درباره اصلاح عملکرد برای اجرای اصل ۴۴ می‌پردازیم، به این معناست که مالکیت عمومی را پذیرفته‌ایم، در حالی که اصلاً مقوله مالکیت عمومی وجود ندارد و به همین علت هم در خاورمیانه - به خصوص در کشور ما - دولت رانتیر بالذاته وجود دارد. حتی من معتقدم که دولت رانتیر در کشورهایی مانند کشور ما، یک دولت تأسیسی نیست، بلکه به لحاظ تاریخی، یک پدیده امضایی است، پدیده‌ای که از بدو تاریخ در جهان وجود داشته، ولی با دانش موجود قابل تحلیل و تعبیر نبوده و همان حکم امضایی امروز به دولت فعلی ما رسیده است.

به نحو اشاعه، متعلق به تمام آحاد ملت می‌باشند و اساساً اگر ما برای دولت مالکیتی هم‌تراز مالکیت خصوصی قایل شویم، این کار دولت را مجبور به اعمال تسلط ارادی نسبت به حقوقی می‌کند که موجب تعرض به حقوق خصوصی می‌شود. متأسفانه ادبیاتی در جهان سوم وجود دارد که اصرار دارد تا اراده مسلط برای اداره امور را حتماً به مالکیت تعبیر کند، ولی من معتقدم که دولتی که برخاسته از نظام نظم‌آفرینی دموکراسی است، اصلاً نمی‌تواند مالک حقیقی باشد، بلکه تکلیفی را برای اداره کل امور خارج از حوزه مالکیت خصوصی برعهده دارد.

رانتیر بیسم و مالکیت خصوصی

این حقوقدان در ادامه سخنانش درباره آثار وجود دولت رانتیر در جامعه گفت: ریشه و حیات دولت رانتیر در ضدیت با مالکیت خصوصی است و چرخه حیات این دولت الزاماتی دارد که بسیار جالب است. اولین الزام اساسی دولت رانتیر در کشورهایی مانند کشور ما، امنیت است، امنیتی که بر حمایت عمومی استوار نیست و برای بقای خود، نیازمند جلب حمایت خاص است و اقدامات دولت رانتیر برای جلب

واگذاری مالکیت‌ها

دکتر شبروهی در پاسخ به سوال دکتر توسلی در مورد اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر واگذاری مالکیت‌های دولتی به بخش خصوصی و عمومی نیز گفت: به‌طور کلی، من اصل ۴۴ قانون اساسی را یک اصل نادرست در نظام تدوینی قانون اساسی و حقوق مالکیت در ایران می‌دانم و معتقدم که ما باید به جای تحلیل اقداماتی که برای اجرای آن در کشور صورت می‌گیرد، پیکره‌بندی اصل ۴۴ را به زیر علامت

به نظر نمی‌رسد که با توزیع درآمد نفت در میان ملت، بتوان مشکلات ایجاد شده توسط دولت رانتیر را رفع کرد.

حمایت در جامعه از دور رابطه آشکار می‌شود: یکی، رابطه درون‌سازمانی خود دولت؛ و دیگری، آثار و شواهدی که بر رابطه دولت با جامعه وجود دارد. وقتی دولت در ارتباط درون‌سازمانی خود بر اساس الگوی رانتیریسیم عمل می‌کند، در گروه‌بندی‌های همسوی داخل خود انفکاک به وجود می‌آورد، مثلاً در دولت کنونی ما عده‌ای با گرایش‌های ضمنی طرفدار اقتصاد آزاد می‌شوند، عده‌ای طرفدار کشاورزی صنعتی می‌شوند، عده‌ای به دنبال بازار پول می‌روند و عده‌ای دیگر هم به دنبال تجارت و بورژوازی تجاری. هریک از این شعبه‌ها هم برای جلب حمایت عمومی و سمپاتیزه کردن کل مردم، احتیاج به ترجیحات منابع دارند. در کشور ما، منبع اصلی رانت نفت است و بعد از آن، زمین، بازار پول و واردات و تجارت قرار دارند. هریک از این منابع ترجیحی در دولت رانت، به متصدیانی احتیاج دارند و برای

اینکه این متصدیان همگون با یکدیگر عمل کنند و کل این ثروت را به نفع خود و روابط خویشاوندیشان به کار گیرند، نیازمند لوازمی هستند. یکی از لوازم مهم در اختیار دولت رانتیر که جامعه را فلج می‌کند، رانت قضایی است. همه ما می‌دانیم که سیستم تأمین عدالت در کلیه جوامع، سیستم

داوری همه جانبه از پیش تعیین شده است. در کشوری مانند کشور ما، تنها متولی سیستم تأمین عدالت، دستگاه قضایی است. در جامعه آمریکا، ۹۰ درصد سیستم تأمین عدالت به شوراهای داوری مردمی واگذار شده و تنها ۱۰ درصد آن به دستگاه قضایی ارجاع می‌شود. لذا در ایران و سایر جوامعی که دارای دولت‌های رانتیر هستند، سیستم تأمین عدالت یک‌جانبه، یک‌پسده و توسط یک نهاد به‌خصوص، آن هم قضایی است تا این نهاد با نظارت رسمی کامل بتواند اهداف دولت رانت و مقاصد رانتیریسیم را تضمین نماید.

رانت قضایی

دکتر شبروهی در ادامه سخنانش به ذکر مثالی در مورد رانت قضایی برای اجرای منویات دولت رانتیر پرداخت و گفت: بخشی از جناح دولت رانتیر در سال ۱۳۷۲ که وابسته به بازار پول بودند، برای حراست از بازار پول و پول حقیقی، مانع انتشار پول تحریری به وسیله چک شدند، زیرا وقتی پول

تحریری به وسیله چک و سایر اوراق ارزشمند در جامعه توسعه پیدا می‌کند، مسلطان به بازار پول حقیقی را به حاشیه می‌راند، یعنی وقتی ما ۱۰۰ هزار تومان پول داریم، حق اعمال هرگونه عمل ارادی را نسبت به آن داریم، اما اگر در مقابل این ۱۰۰ هزار تومان پول حقیقی ما، ۱۰۰ هزار تومان اعتبار هم وجود داشته باشد تا مردم بتوانند از آن به عنوان جایگزین پول حقیقی استفاده کنند، قدرت دارنده پول حقیقی نسبت به اداره بازار پول کم می‌شود. از اینرو، در سال ۱۳۷۲ برای اینکه رانت بازار پول کشور را در تملک اساسی و واقعی خودشان در بیاورند، قانون تشدید مجازات صدور چک بلامحل را تصویب کردند، در حالی که جامعه فکر می‌کرد که این قانون برای ارزشگذاری و صیانت از ارزش مالی و سرمایه‌گذاری در کشور تصویب شده است، در حالی که این قانون برای صیانت از حقوق رانت بازار پول که زیرمجموعه دولت رانت نفتی بود، تصویب شد و همانطور که دیدیم،

دولت‌ها منابع قدرت بسیار زیادی دارند که از پول ناشی نمی‌شود؛ یکی از این بزرگترین منابع اقتدار دولت، وضع قوانین است.

در کمتر از چهار- پنج سال جامعه را بدانجا کشاند که زندان‌های کشور گنجایش اینهمه زندانی را نداشت. این جرم‌آفرینی در جامعه، موجب توسعه دامنه جرایم تقلیدی شد، جرایم تقلیدی‌ای که ناشی از فقر است و فقری که زاینده فساد است و فساد

که بر بستر تبعیض در این کشور بوجود آمده است و مادر همه اینها، اقدامات و سیاستگذاری‌ها و نظم‌آفرینی‌های دولت رانتیر است.

وی همچنین تدوین و تصویب آیین‌نامه اخیرالتصویب قانون استقلال کانون وکلای دادگستری توسط قوه قضاییه را ناقص استقلال این کانون دانست و این اقدام قوه قضاییه را در راستای تأمین رانت قضایی و اعمال حاکمیت مسلم دولت رانتیر ارزیابی کرد که هدفش خدشه‌دار کردن ابزار دفاع از مردم در سیستم عدالت قضایی است.

این عضو هیأت تحریریه مجله حقوق و اقتصاد در مورد پیامدهای دولت رانتیر که مترتب بر جامعه می‌شود، گفت: در جامعه‌شناسی جرم از حس همانندسازی که در تمام آحاد بشری وجود دارد، سخن رفته است. این حس در جامعه‌شناسی و روانشناسی نیز تعریف شده است. این حس همانندسازی، دارای نقش دوگانه است. از یک سو، همواره درجات اقبال عمومی را برای پیمودن راه تکامل در پیش روی آنها قرار می‌دهد و از سوی



● به ترتیب از سمت راست، دکتر احمد میدری، دکتر محمد شریف و دکتر غلام عباس توسلی در میزگرد ویژه مجله حقوق و اقتصاد.

دولتی نیست که رانت قضایی و اطلاعاتی ایجاد کند. به نظر من، حتی اگر یک دولت تمام حقوق ملت را پایمال کند، دولت رانتیر نامیده نمی شود، بلکه دولت رانتیر، دولتی است که منبع درآمد بیرونی دارد و مالیات، سهم اندکی در تأمین درآمد آن دارد. البته مفهوم رانت بسیار گسترده است، اما رانتیر یک مصداق مشخص دارد. در کتب تاریخ عقاید اقتصادی، مصادیق مختلفی برای رانت ذکر شده است. به طور مثال، داشتن صدای خوب هم یک رانت است که فرد به وسیله آن می تواند ثروت زیاد بیش از یک فرد معمولی کسب کند. بنابراین، به طور کلی، هر وضعیت غیر رقابتی موجد رانت است. لذا رانت مصادیق بسیار زیادی دارد، ولی دولت رانتیر تنها یک مصداق دارد و آنهم دولتی است که متکی بر درآمد حاصل از منابع طبیعی است.

دولت نامشروع

دکتر میدری سپس به طرح دیدگاه‌هایش در مورد آثار دولت رانتیر و راه حل‌های پیشنهادی خود برای تقلیل پیامدهای سوء آن پرداخت و گفت: علاوه بر پیامدهای وجود دولت رانتیر در جامعه که توسط صاحب نظران در این میزگرد مطرح شد، گفته می شود که دولت رانتیر باعث رشد سریع شهرنشینی، تغییر قشر بندی اجتماعی و گسترش نظام اداری می شود.

دیگر، در جوامع دارنده دولت رانتیر، باعث گسترش دامنه جرم می شود، به این ترتیب که وقتی دولت رانتیر آشکارا به حق اختصاصی افراد نسبت به دارایی کل جامعه تعرض می کند، افراد جامعه در صدد جبران برمی آیند و اباحت تصرف در اموال دیگران نزد مردم مباح می گردد و به همین علت نیز همه اقدامات بازدارنده و اعمال مجازات‌های سنگین در سطح قاعده جامعه تاکنون نتوانسته است دامنه جرایم تقلیدی را کاهش دهد، زیرا دولت رانتیر برای تسلط بر تمامی اموال عمومی، از رانت امنیت قضایی استفاده می کند و عملکرد دستگاه قضایی به عنوان بازوی اجرایی دولت رانتیر، نقش هدایت غیرمدرانه رفتار انسان‌های جامعه را دارد که جامعه را از کنشگری باز می دارد و به سوی رفتارگرایی و زیرپا گذاشتن قانون سوق می دهد. وی همچنین هدف از تصویب قوانین همعرض در کشور را تضمین امنیت اراده مسلط دولت رانتیر دانست و متذکر شد که این قوانین، ملت را سرگردان می کنند و موجب ایجاد خدشه در اعمال مواهب مالکانه آنها می شوند.

مصداق مشخص

در ادامه مباحث این میزگرد، دکتر احمد میدری ضمن نقد تعاریف ارائه شده در میزگرد در مورد دولت رانتیر گفت: به نظر من، دولت رانتیر

بی توجهی به حقوق مردم و پاسخگو نبودن دولت در کشور ما، معلول یک سری زمینه‌های اجتماعی است.



● دکتر جامساز (سمت راست) در پایان میزگرد به جمع‌بندی دیدگاه‌ها پرداخت.

دولت رانتیر نیز گفت: برخلاف تصور برخی از فعالان و نظریه‌پردازان ایرانی، به نظر نمی‌رسد که با توزیع درآمد نفت در میان ملت، بتوان مشکلات ایجاد شده توسط دولت رانتیر را رفع کرد. ریشه مشکلات اقتصادی ایران استبداد است و ریشه استبداد به عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر می‌گردد. اگر دولت درآمد نفت نداشته

باشد و تمام هزینه‌های خود را هم از مالیات تامین کند، تا زمانی که نهادهای اجتماعی برای مهار قدرت سیاسی در ایران وجود نداشته باشند، استبداد باقی خواهد ماند. وی افزود: دولت‌ها منابع قدرت بسیار زیادی دارند که از پول ناشی نمی‌شود. یکی از این بزرگترین منابع اقتدار دولت، وضع قوانین است و دولت از این طریق می‌تواند ثروت را بین افراد و گروه‌های اجتماعی مورد نظر خود جابجا کند و مشکلات عدیده اقتصادی را بوجود بیاورد. برای درک این نکته که مشکل ما از نفت نیست و با از بین رفتن آن هم مشکل حل نمی‌شود، به رابطه مردم با شهرداری‌ها توجه کنید. با آن که شهرداری‌ها از ابتدای دهه ۱۳۷۰ تقریباً مستقل شده‌اند و باید از عوارض پرداختی توسط مردم اداره شوند، با اینحال آنها چیزی به نام حقوق خصوصی برای مردم قایل نیستند و به همین علت می‌بینید که یکباره یک برج در کنار خانه شما ساخته می‌شود. لذا بی‌توجهی به حقوق مردم و پاسخگو نبودن دولت در کشور ما، معلول یکسری زمینه‌های اجتماعی است. بنابراین، برای گذر از دولت رانتیر، باید پروژه گذر به دولت دموکراتیک و

چرا دولتی که از انقلاب برخاست و رانت‌های حکومت پهلوی را از دسترس افراد خاص خارج کرد و در اختیار منافع عمومی قرار داد، خودش تبدیل به یک دولت رانتیر می‌شود؟

همچنین دولت رانتیر اساساً در نظر مردم جامعه نامشروع است، زیرا هر قدر رشد اقتصادی در کشور ایجاد شود، همه می‌گویند که پول نفت باعث آن بوده است و مردم همیشه از دولت‌های رانتیر طلبکارند. لذا این دولت‌ها به سوی ایدئولوژیک شدن می‌روند. این نکته‌ای است که هوتن شامبیاتی مطرح نموده است. علاوه بر این، طرفداران دولت

رانتیر معتقدند که دولت رانتیر باعث ایجاد بیماری هلندی در اقتصاد، تقویت بیش از اندازه نرخ ارز و واردات بی رویه و بروز مشکلات عدیده دیگری می‌شود. در مقابل منتقدان این نظریه معتقدند که همه این مشکلات در کشورهای توسعه نیافته که دولت آنها رانتیر نیست، وجود دارد، مانند بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین، کشورهای آفریقایی و آسیایی که با آنکه اصلاً منابع طبیعی ندارند، ولی همه مشکلات یک جامعه رانتیر مانند استبداد و مشکلات سیاسی و به تبع آن، مشکلات اقتصادی را دارا می‌باشند. شاهد دیگر این مدعا، دولت رضاشاه است که با آنکه ۹۰ درصد درآمدهایش تا سال ۱۳۱۶ از طریق مالیات مردم تامین می‌شد، ولی بدترین شکل استبداد را داشت. بنابراین، ساختار مالی دولت رانتیر ایجاد مشکل نمی‌کند، بلکه رفتار دولت رانتیر را وجود خلأ سیاسی و فقدان نهادهای مدنی برای اعاده حقوق مردم جامعه تعیین می‌کند.

استبداد، ریشه مشکلات اقتصادی است
دکتر میدری در مورد راه حل مشکلات ناشی از

استقرار نظام حقوقی مردمسالار مورد توجه قرار گیرد.

تعریف غلط از حق

دکتر شبروهی در واکنش به اظهارات دکتر میدری در این بخش از میزگرد اظهار داشت: باید اینگونه به قضیه نگاه کنیم که دیکتاتوری و استبداد، فقط محصول انحصاری دولت رانتیر نیست، بلکه دارای نشانه‌های متعددی در دولت‌های غیررانتیر نیز هست. لذا یکی از ویژگی‌های دولت رانتیر، استبداد است، زیرا نیازمند تأمین چرخه حیات خود است که جز با استبداد امکانپذیر نیست. اما در مورد اینکه چرا در سایر موارد هم این چرخه در ایران وجود دارد، باید گفت که علت آنست که تعریف حق در ایران درست نیست. من با تعریف حق بر مبنای اصول فقه که می‌گوییم "الْحَقُّ لِمَنْ غَلَبَ" و در تعریف بین‌المللی حق در حقوق تطبیقی حق عبارت از سلطه فردی بر فرد دیگر، مخالفم و فکر می‌کنم که باید تعریف حق در کشور ما متناسب با مقتضیات مناسبات اجتماعی، تاریخی و فرهنگی کشور

صورت گیرد و بگوییم که حق عبارتست از رجحان و برتری قابل تسلط فردی بر فرد دیگر. اگر قید قابلیت را برای این رجحان قایل شویم، آنوقت دولت هم نمی‌تواند به حق افراد جامعه ظلم کند، چون باید اول دولت ثابت کند که آیا بر اساس موازین مشخصی، این قابلیت رجحان اراده خود بر اراده افراد جامعه را پیدا کرده است یا خیر؟

چرا نمی‌توانیم؟

دکتر توسلی در بخش پایانی اظهاراتش گفت: جالب آنست که رانت در هر نوع حکومتی که بر سر کار بیاید، بلافاصله در محور دولت قرار می‌گیرد، مثلاً در دولت انقلابی ایران که برخاسته از انقلاب و ایده‌آل‌های مردمی است و قدیمی‌ترین قانون اساسی در خاورمیانه و تعداد بسیار زیادی افراد تحصیلکرده دارد و از سطح فرهنگی بالایی هم برخوردار است، علی‌الاصول نباید رانت خواری و رانت‌داری اینهمه دردسر برای جامعه ایجاد کند. وی سپس افزود: آیا واقعاً از لحاظ اقتصادی توزیع پول - حتی به صورت شخصی - کار درستی است





یا نه؟ آیا این کار منافع ملت را به خطر نمی‌اندازد؟ آیا سرمایه‌گذاری دولت را از بین نمی‌برد؟ اگر این عواید صرف سرمایه‌گذاری در کشور نشود، نسل‌های آینده چه باید بکنند؟ بنابراین، در بررسی ویژگی‌های دولت رانتیر در ایران باید توجه داشت که چرا دولتی که از انقلاب برخاست و رانت‌های حکومت پهلوی را از دسترس افراد خاص خارج کرد و در اختیار منافع عمومی قرار داد و قاعدتاً باید ضد رانتیرسم باشد، تبدیل به یک دولت رانتیر می‌شود؟ به عبارت دیگر، هنوز این معما وجود دارد که چرا پس از گذشت سی سال از انقلاب ایران، هنوز با جریان‌های سرورکار داریم که منافع مردم را در مدنظر قرار نمی‌دهند و با وجود کسب درآمدهای هنگفت نفتی، نیروهای متخصص و تحصیلکرده و استقلال نسبی کشور از قدرت‌های استعماری، چرا نمی‌توانیم از لحاظ اقتصادی با قدرت و قوت روی پای خودمان بایستیم و اگر نفت نباشد، نمی‌توانیم زندگی‌مان را اداره کنیم؟

جمع‌بندی

در آخرین بخش از این میزگرد، دکتر جامساز، عضو هیأت تحریریه مجله حقوق و اقتصاد، به جمع‌بندی دیدگاه‌های مطرح‌شده در میزگرد پیرامون رانتیرسم و تعریف دولت رانتیر و آثار و پیامدهای آن در جامعه پرداخت.

وی ضمن این جمع‌بندی گفت: ابتدا تعاریفی از دولت و وظایف آن ارائه شد و مطرح گردید که مهمترین وظایف دولت در جامعه، حفظ امنیت کشور و حفظ امنیت مالی و جانی افراد جامعه و دخالت‌های مطلوب در زمینه اقتصاد و تولید کالاهاست که بخش خصوصی چندان رغبتی به تولید آنها ندارد. همچنین مطرح شد که انجام تکالیف دولت هزینه‌بر است و این هزینه‌ها باید از جایی تأمین شوند و منبع درآمدی دولت در حکومت‌های مردم‌سالار هم مالیات‌ها، درآمدهای حاصل از گمرک و گردشگری و صادرات هستند و درآمدهای خارج از این مجموعه، شامل درآمدهایی است که ملت در ایجاد آنها هیچگونه دخالتی نداشته، یعنی درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی که به موجب اصل ۴۵ قانون اساسی کشور ما تحت عنوان انفال در اختیار دولت اسلامی قرار داده شده است.

برای گذر از دولت رانتیر، باید پروژه گذر به دولت دموکراتیک و استقرار نظام حقوقی مردم‌سالار مورد توجه قرار گیرد.

دکتر جامساز در ادامه این جمع‌بندی گفت: همچنین مطرح شد که دولت رانتیر برای حفظ خود در مقابل نارضایتی‌هایی که در جامعه بوجود می‌آید، از درآمدهای ناشی از رانت استفاده می‌کند، یعنی منابع مالی یکی از مهمترین عوامل ایجاد رانت در هیأت دولت و یا در حاکمیت است. وی سپس افزود: آقای دکتر توسلی فرمودند که مسأله رانت یک مسأله بین‌رشته‌ای است که از طریق درآمدهای مکتسبه از خارج به جامعه تزریق می‌شود. همچنین مطرح شد که هم دولت رانتیر داریم، هم اقتصاد رانتیر داریم و هم جامعه رانتیر و اینکه اصولاً رانت در جامعه به هر نحوی که وجود داشته باشد، عواقب و پیامدهایی همچون قرار گرفتن خویشاوندسالاری در مقابل شایسته‌سالاری، کاهش بهره‌وری، پایین آوردن تولید ناخالص ملی، حامی‌پروری (Patronage) دارد که موجب ایجاد تعارض‌هایی بین دولت و جامعه می‌شود و دولت هم برای رفع این تعارض‌ها و حفظ خود، هزینه زیادی برای جلب حمایت گروه‌های مقتدرتری که با ایدئولوژی دولت سازگارترند، می‌کند.

دکتر جامساز در بخش دیگری از جمع‌بندی مباحث این میزگرد گفت: یکی دیگر از نظریات مطرح‌شده در این میزگرد، آن بود که دولت باید در



این صاحب‌نظر اقتصادی در ادامه جمع‌بندی خود گفت: در مباحث مطرح‌شده در این میزگرد، گفته شد که وجود خلأ سیاسی و اجتماعی، عدم‌شکل‌گیری دولت دموکراتیک و مشکلات فرهنگی جامعه، از جمله ریشه‌های ایجاد دولت رانتیر هستند. همچنین در مورد وجود یا عدم وجود مفهوم مالکیت عمومی بحث شد و آقای دکتر شبروهی معتقدند که مالکیت عمومی وجود ندارد، ولی آقای دکتر شریف اعتقاد دارند که هم مالکیت عمومی داریم و هم مالکیت خصوصی و مالکیت عمومی برای دولت حق ایجاد نمی‌کند، بلکه تکلیف ایجاد می‌کند، ولی در عین حال، در برابر تهاجم خارجی حق دفاع از منافع و حدود سرزمینی را برای دولت ایجاد می‌کند. همچنین فرق بین اموال عمومی و مالکیت دولتی شرح داده شد و مطرح گردید که مالکیت دولت بر اموال دولتی، همانند مالکیت خصوصی افراد بر مایملکشان است و دولت می‌تواند اراده مالکانه خود را بر اموال دولتی اعمال کند.

وی سپس افزود: ما به این نتیجه رسیدیم که دولت رانتیر از منابع مالی خارج از حوزه تولید تغذیه می‌کند و همین امر باعث می‌شود که بتواند هم مخالفان خود را راضی نگهدارد و هم به اهدافش که بخشی از آن اهداف توسعه‌ای است، دست یابد. علت اینکه دولت رانتیر می‌تواند اهداف توسعه‌ای داشته باشد، آنست که چون در یک جامعه بین‌المللی زندگی می‌کنیم، لذا دولت نمی‌تواند درها را به روی دنیا ببندد، بلکه دولت ناگزیر است که در جهت تجارت بین‌المللی، رقابت‌پذیری و تعامل با اقتصاد جهانی گام بردارد و اقتصاد کشور را به سوی اقتصاد آزاد هدایت کند و به همین منظور، خصوصی‌سازی در دستور کار دولت قرار می‌گیرد، ولی چون این کار توسط دولت رانتیر در کشور ما انجام می‌شود، لذا خصوصی‌سازی خود به یک رانت در دست دولت تبدیل می‌شود.

دکتر جامساز در مورد راه‌حل‌های ارائه‌شده برای رفع مشکلات ناشی از وجود دولت رانتیر در کشور نیز گفت: آقای دکتر میدری معتقدند که تقسیم درآمدهای حاصل از رانت، کار صحیحی نیست و باید چاره دیگری اندیشیده شود و من هم فکر می‌کنم که بهتر است نوع مالکیت بر نفت و نحوه اداره درآمدهای نفتی در میزگرد بعدی مجله حقوق و اقتصاد مورد بحث قرار گیرد.

گزارش از: میزبه فرهنگی

رأس جامعه و متکی بر قاعده هرم، یعنی متکی بر مردم و نهادهای مدنی باشد، اما اگر دولت از مردم جدا بشود و در بالای هرم جامعه قرار بگیرد، به رانت به عنوان مرکز ثقلی برای حفظ خود اتکا خواهد کرد و چنین دولتی، دولت رانتیر است. نحوه تأثیر دولت رانتیر بر جامعه نیز آنست که دولت رانتیر با محدود کردن دموکراسی و نهادهای مدنی، خود را بازتولید می‌کند و حرکت روبه‌جلوی جامعه مدنی را متوقف می‌سازد و هر قدر منابع مالی بیشتری داشته باشد، این کار را با سهولت بیشتری انجام می‌دهد.

وی در ادامه افزود: به لحاظ اجتماعی هم بندوبست‌هایی بین دولت و ملت بوجود می‌آید که مانع شکل‌گیری دموکراسی در جامعه می‌شود و رانت استمرار می‌یابد. همچنین گفته شد که در ایران درآمدهای مالیاتی هم می‌توانند نوعی رانت باشند و نحوه توزیع ثروت را به نوعی تغییر داده و در جهت تقویت پایه‌های حکومت به کار گرفته شوند، در حالی که در کشورهای مترقی و دموکراتیک، مردم با اطمینان خاطر مالیات می‌پردازند، زیرا می‌دانند که دولت به جامعه پاسخگوست و عواید حاصل از درآمدهای مالیاتی به جامعه برمی‌گردد. به علاوه، مطرح شد که در دولت‌های دموکراتیک هم رانت وجود دارد، ولی نوع این رانت و آثار آن متفاوت است و این نوع رانت بیشتر در برخی از انتخاب‌ها و انتصاب‌ها اعمال می‌شود و تأثیر چندانی بر شیوه رفتار حکومت نمی‌گذارد.